

## بازسازی معنایی تجربه زنان از روابط مادر شوهر و عروس (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)

خدیجه حاتمی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران)  
hatamielm@yahoo.com

### چکیده

در جامعه ایران همانند جوامعی، مانند هند، چین و ویتنام،... روابط بین مادر شوهر و عروس همواره از حساس‌ترین و شکننده‌ترین روابط محسوب شده و در محیط خانواده‌ها مسئله‌ساز بوده است. در این راستا، این پژوهش با اتخاذ رویکردی کیفی و با هدف درکی پدیدارشناسانه از روابط بین مادر شوهر و عروس صورت پذیرفته است. بر این اساس، با به‌کارگیری روش نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند به مطالعه تجربه مستقیم ۲۹ زن (از شهرهای مختلف) از رابطه مادر شوهر و عروس پرداخته شده است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به مقوله مرکزی «پذیرش جایگاه من» در این رابطه اشاره داشت، به موقعیتی در دل جامعه‌ای در حال گذار که تعریف و جایگاه هر دو نقش با مسئله ابهام نقش از سوی طرفین روبه‌رو است. مصاحبه‌ها گویای این مسئله بود که عوامل علی (مقولات حمایت‌گری، دخالت، سلطه و خودمحوری، تخریب و توطئه، حسادت و پذیرش به‌عنوان عضو خانواده) و عوامل زمینه‌ای (مقولات فرهنگ سنتی و مردسالاری) بر این رابطه و درک از آن تأثیرگذار بوده‌اند و راهبردها تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر، (مقولات استقلال مالی طرفین، سطح توقعات طرفین، سطح تحصیلات، سطح جهیزیه، سن، حمایت خانواده، توانایی همدلی و همدان پنداری)، از راهبردهای منفعلانه تا فعال متفاوت بوده است و بر اساس راهبردهای طرفین پیامدهای متنوعی، مانند پیامدهای مثبتی چون به وجود آمدن رابطه مادر-دختری و حس حمایت‌گری، حس صمیمیت، دوستی و پیامدهای منفی، همانند آسیب‌های روانی، کینه‌توزی و حس دشمنی، قطع رابطه و آرزوی مرگ و کيفر برای طرف مقابل را می‌توان نام برد.

کلیدواژه‌ها: نظریه زمینه‌ای، روابط مادر شوهر و عروس، مدرنیته و گذر، پذیرش جایگاه.

#### ۱. مقدمه

رابطه مادر شوهر و عروس در اکثر جوامع جزء تنش‌زاترین روابط در داخل خانواده به شمار می‌آید. این رابطه در واقع رابطه دو نقش است، دو نقشی که به نظر می‌رسد در تعارض ذاتی با هم قرار گرفته‌اند، از آنجا که مادر شوهر و عروس در احساس تعلق به یک مرد مشترک هستند، ذهنیت رقابتی ممکن است بین این دو زن به وجود آید. مادر شوهر ممکن است احساس کند که اهمیت او برای پسرش توسط عروسش کاهش یافته است، درحالی‌که عروس ممکن است احساس کنند که مادر شوهر دارد ارتباط او را از خانواده پدری اش قطع می‌کند (دووال<sup>۱</sup>، ۱۹۵۴، صص. ۹۶-۵۷). زن مسن‌تر (مادر شوهر)، از بودن یک زن جوان در خانواده، برای اولین بار به عنوان یک دختر و پس از آن به عنوان یک عروس، دچار سختی و رنج می‌شود و مایل به قربانی کردن او برای موقعیت مسلط خودش به عنوان یک مادر و تنها کدبانوی خانه است (نگپال<sup>۲</sup>، ۲۰۰، ص. ۲۹۹). علاوه بر تعارض ذاتی و تاریخی، در شرایط کنونی با حادث شدن مدرنیته تعارضات و تنش‌های بین مادر شوهر و عروس افزایش یافته است. این امر به این دلیل است که در جامعه سنتی هر دو نقش به وضوح بیشتری تعریف شده بودند و حدود و ثغور و جایگاهشان مشخص بود، اما مدرنیته با زیر سؤال بردن فرهنگ مردسالاری، نقش‌ها و جایگاه سنتی زنان، مسئله ابهام نقش را در این مسئله پدید آورده است که ریشه بسیاری از اختلافات بین مادر شوهر و عروس نیز از این امر ناشی می‌شود. اختلاف نگرش و تعریف بین مادر شوهران و عروسان در مورد جایگاه‌های زن و همسری، برخاسته از زمینه تربیت سنتی مادر شوهر از یک طرف و زمینه

---

1. Duvall  
2. Negpal

تربیت متفاوت و نیز بالا رفتن سن ازدواج و سرمایه اجتماعی عروسان (در اثر بالا رفتن سطح تحصیلات، حمایت خانواده ...) از طرف دیگر می‌باشد.

در جامعه ایران نیز روابط بین مادر شوهر عروس از حساس‌ترین و شکننده‌ترین روابط محسوب می‌شود و در داخل خانواده‌ها همیشه مسئله‌ساز بوده است. وجود ضرب‌المثل‌ها و جوک‌ها در ادبیات و فرهنگ عامه نیز گواهی بر این ادعاست. به‌ندرت جمع یا پاتوقی زنانه را می‌بینیم که در آن حرف و گله‌ای از عروس یا مادر شوهر نباشد. این رابطه زندگی اکثریت زنان کشور را تحت شعاع قرار داده و برای خیلی از زنان، رابطه‌ای پرتنش و زجرآور است. به گفته بسیاری از همین زنان، از روزهای آغازین ازدواج و زناشویی‌شان آنچه بیشتر به یادشان می‌آید، دعواها، کدورت‌ها و طعنه‌ها و اختلاف‌افکنی مادر شوهرانشان است. حتی در جمع‌های مردانه نیز این رابطه موضوع گفتگو می‌شود و همیشه مردانی هستند که مستأصل شده، برای رفع روابط تیره بین مادر و همسرشان دنبال راهکار و مشاوره‌اند. باوجود اهمیت موضوع، تا اکنون در کشور کار جامعه‌شناختی در این مورد انجام نیافته است و در زمینه روان‌شناسی نیز به‌ندرت پژوهشی علمی یافت می‌شود، این در حالی است که در کشورهای دیگر همچون هند، چین، ویتنام، کره،... بسیار به این مسئله توجه شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

- چه عللی (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گری) در شکل‌گیری نوع رابطه بین مادر شوهر عروس اثرگذار است؟
- این رابطه حول چه پدیده مرکزی می‌گردد؟
- طرفین رابطه از چه راهبردهایی در مواجهه با این روابط بهره می‌برند؟
- این راهبردها چه پیامدهایی برای روابط آنان به همراه دارد؟

## ۲. مبانی نظری تحقیق

## ۲.۱. مرور پیشینه

سیلوستر میوتوندا (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «زنان تحت انقیاد زنان» با استفاده از یک رویکرد پساساختارگرا، به بازخوانی دو رمان<sup>۱</sup> نویسنده آفریقایی، ماریاما بی دی پرداخته است. این دو رمان درباره دو ازدواج نافرجام در جامعه سنتی هند است. هردو ازدواج هرچند بر مبنای روابط عاطفی و عاشقانه زوجین شکل می‌گیرد، اما به دلیل عدم تناسب با فرهنگ سنتی و پدرسالار جامعه هند دوام نمی‌آورد و در هردو رمان، شخصیت زن عاشق تاوان سنت‌ها را می‌دهد و به پای فرهنگ پدرسالاری قربانی می‌شود. نویسنده رمان به نقش پررنگ خود زنان مخصوصاً مادر شوهران در انقیاد هم‌جنسانشان می‌پردازد. نویسنده مقاله بیان می‌دارد، پژوهش فمینیستی عامل اصلی تسلط ایدئولوژی مردسالار در جامعه آفریقا را به فعالیت مردان نسبت می‌دهند و زنان به‌عنوان قربانیان بی‌گناه اقتدار پدرسالاران شناخته می‌شوند. باین‌حال، خواندن دقیق متون توسط برخی از نویسندگان زن آفریقایی، مانند ماریاما، نقد این دیدگاه است و به بررسی نقش مستقیم و غیرمستقیم برخی از زنان در حفظ بازی و تداوم مردسالاران اشاره دارد. تمرکز این رمان‌ها بر روی زنان مسن است که اغلب اوقات، به‌طور جاهلانه، با خودخواهی آلت دست مردان می‌شوند و آن‌ها زندگی را برای زنان دیگر سخت می‌کنند. پژوهش بر روی روابط زن با زن به‌واسطه سن، نسل، آموزش و پرورش، مواجهه و تجربه، تمرکز می‌کند. پژوهش به‌منظور درک پیچیدگی‌های مردسالاران و با هدف کمک به بحث در مورد ماهیت چندبعدی مردسالاری و نقش آن در ستم «زنان بر زنان» در جوامع آفریقایی انجام گرفته است. این مقاله نشان می‌دهد که زنان باید دست در دست هم و با استفاده از قدرت‌های در دسترس، برای غلبه بر چالش‌های مردسالاری آماده شوند.

1. So Long a Letter and Scarlet Song  
2. *Mariama Bd*

در مقاله‌ای با عنوان «خشونت بر عروسان» در (۲۰۱۳) ریو و جان جولی و جیل<sup>۱</sup> به این نتیجه رسیدند که مادر شوهران هند همواره در خشونت علیه عروسانشان دخیل هستند، به‌ویژه در موارد مربوط به جهیزیه. این مقاله به بررسی این موضوع پرداخته که آیا در حال حاضر توضیحات جامعه‌شناختی، روانی‌شناختی و فمینیستی کافی هستند؟ با این استدلال که سیاست و پژوهش باید درک عمیق‌تری از رابطه بین خشونت، آزار و ترکیب زنجیره‌ای از شیوه‌های روزمره از قدرت و کنترل در طبقه متوسط خانواده‌های هندوستان باشد و این زنان باید در مقابل سوء رفتار محافظت شوند. سیاست و پژوهش باید منتقدانه، تأثیر ترجیح فرهنگی و اجتماعی پسران را بر دختران به‌عنوان جنس فرودست تشخیص دهد. مادران از پسر داشتن لذت می‌برند چون با آن دارای یک موقعیت نسبتاً بالا درون خانواده می‌شوند، حتی با کنار گذاشتن مسائل جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی سنتی، یک پیوند به‌خصوص نزدیک بین مادران و پسران وجود دارد که باعث تنش بین آن‌ها و نوعروسشان می‌شود. این تنش‌ها با ماهیت هنجاری پدرسالاری که در آن پسران حتی پس از ازدواج در خانه پدر و مادر خود می‌مانند پیچیده‌تر می‌شود، در حالی که دختران باید به زندگی با خانواده شوهرشان بیونیدند. بنابراین، مادر شوهران با به دست آوردن موقعیت نسبی قدرت، نهایتاً اغلب در تداوم شیوه‌های کنترل و قدرت بر عروسان منافی دارند. این نشان‌دهنده یک فرم فرهنگی خاص از توافق پدرسالارانه است که پیامدهای قابل توجه اجتماعی و روانی در مورد پرداختن به نابرابری‌های جنسیتی بومی در جامعه هند دارد.

چن<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) با ۱۲۵۷ مادر شوهران تایوانی مصاحبه انجام داد. بررسی‌ها نشان داد سطح تحصیلات با رعایت هنجارهای سنتی نقش‌های اجتماعی مانند اطاعت از اقتدار، فرزندی تقوا، احترام به اجداد، نظم و انضباط و خویشن‌داری مرتبط است. افراد با مدرک دانشگاهی و بالاتر به‌طور قابل توجهی نسبت به کسانی که سطح تحصیلاتشان دیپلم، دبیرستان یا کمتر

1. Martin Rew<sup>1</sup>, Geetanjali Gangoli<sup>2</sup>, Aisha K. Gill<sup>3</sup>

2. Chen

بود، به هنجارهای نقش، کمتر توجه می‌کردند. چن دریافت که روابط مادر شوهر/ عروس در عروسانی با سطح تحصیلات بالاتر نسبت به عروسانی با سطح تحصیلات پایین‌تر، بیشتر دچار اختلاف است.

«عروسان مسلط و مادر شوهران تسلیم» عنوان پژوهشی است که توسط سانسو (۱۹۹۹) انجام یافته است. نتایج حاکی از آن بود که تصویر کلیشه‌ای از روابط مادر شوهر و عروس (مادر شوهر مسلط و عروس مطیع) در هند، از شرایط خاصی برگرفته شده است؛ یعنی در مورد خانواده‌های روستایی زمین‌دار، اما این تصویر به‌دقت منعکس‌کننده روابط مادر شوهر عروس میان کسانی که در مناطق شهری جنوب هند، با درآمد کم زندگی می‌کنند، نیست و در این مناطق نقش مسلط با عروس است نه مادر شوهر. شرایط اقتصادی و فرصت‌های فراهم شده برای نسل جوان از طریق مهاجرت و اشتغال شهری، تغییرات در تولید، شهرنشینی و کاهش باروری و همچنین فشار تحرک به سمت رو به بالا و افزایش سطح مصرف در این زمینه مؤثر است و این تصویر کلیشه‌ای را سؤال‌برانگیز کرده است. عروسان دیگر به خواسته‌ها و آرزوهای مادر شوهران خود همچون مناطق روستایی سر فرود نمی‌آورند در بسیاری از خانواده‌ها چنین تحولات اجتماعی و اقتصادی یک اثر مضر بر ظرفیت زنان مسن‌تر برای حمایت از خود و یا حفظ حمایت از خانواده دارد و مادر شوهران مجبورند خود انواع استراتژی مسامحه و سازگاری با عروس را بکار گیرند.

چراغی، موتابی، پناهی و صادقی (۱۳۹۳) در پژوهشی مقدماتی که برای مقایسه ابعاد مختلف رابطه با خانواده همسر در افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور انجام دادند، دریافتند عوامل متعددی درباره کیفیت رابطه افراد متأهل با خانواده همسرشان مرتبط است، برخی از عوامل مذکور عبارت‌اند از: شهر محل سکونت زوجین و دو خانواده اصلی، سیر تحول رابطه با خانواده همسر، نحوه واکنش به تعارضات پیش‌آمده با خانواده همسر، میزان سهم خانواده همسر در تعارضات زناشویی و میزان دریافت کمک و حمایت مالی و غیرمالی

از جانب خانواده همسر. آنها در پژوهش خود دریافتند که بین جنسیت افراد با رضایت آنان از رابطه با خانواده همسر ارتباط وجود دارد و زنان نسبت به مردان از کیفیت رابطه خود با خانواده همسرشان، ناراضی‌ترند. چارچوب نظری

مروری بر ادبیات عوامل مؤثر در رابطه مادر شوهر- عروس، حاکی از آن است که عواملی مانند، وجود فرهنگ پدرسالاری، نزدیکی مکانی بین مادر شوهر و عروس، سطح آموزش در عروس، درآمد و پایگاه خانواده و... بر کیفیت رابطه تأثیر می‌گذارد.

در نظریه‌های فمینیستی، پدرسالاری<sup>۱</sup> دینامیزی خودترمیمی برای تقویت مناسبات درونی خویش دارد. چه مردان و چه زنان، گرچه خود قربانی خشونت ذاتی پدرسالاری‌اند، به تدریج عضوی از این سیستم بسته شده و به تقویت همبستگی مکانیکی آن کمک می‌کنند. زنان نیز ناخواسته باردار نطفه‌های پدرسالاری‌اند. زنان، انعقاد عقده‌هایی است که از کینه ارتزاق می‌کنند. با زایش نوزاد ذکور، زنان نیروی انتقامشان را بر پسران خود فرا می‌افکنند و بدین ترتیب بدل به چرخ‌دنده‌ای دیگر در این مجموعه مخوف می‌شوند. عشق مادرانه در نظام پدرسالاری، به یک رابطه مالکانه بیمارگونه بدل می‌شود. مادران، قربانیان دیرین پدرخواندگی در کالبد پسرانشان تغییر جنسیت می‌دهند و نظام پیشین را خشن‌تر از قبل بازمی‌آفرینند. مادر با فرافکنی آرزوها و عقده‌ها بر فرزند ذکور، او را «آلت» خود می‌کند تا با التذاذ سادیسمی از این هویت مردانه، خود را ارضا نماید. در غیاب یک رابطه عاشقانه زن‌شویی در نظام پدرسالار، عشقی آلوده به پسر شکل می‌گیرد که به تعبیری فرویدی، خاستگاهی شهوانی دارد. بی‌دلیل نیست که در نگاه مادران نظام پدرسالار، عروس خانواده، هوویی است که می‌خواهد معشوق مادر را از چنگش درآورد. بدین ترتیب، دختران در سنت پدرسالاری و پدرسالاری سنتی، تحت استیلای پدر، تبعیض مادر، اراده شوهر و کینه مادر

---

1. patriarchy

شوهر، با به انتظار کشیدن نوبت انتقام خود، سیکل پدرسالاری را زنده نگه می‌دارند (وحدت، ۱۳۹۰).<sup>۱</sup>

سیستم خانگی یا خاندان<sup>۲</sup> امکان ارتباطات جنسی قوی و رمانتیک و عاشقانه بین زن و شوهر را تضعیف می‌کند. زنان اغلب احساس انزوا در خانه خانواده همسری دارند. بنابراین، زنان متأهل اغلب مشتاق به به سرعت باردارشدن هستند. با این حال، آن‌ها به خصوص مشتاق به تولد فرزند پسر هستند. به این دلیل که مادرانی که صاحب فرزند پسر می‌شوند خوش‌شانس و فرخنده دیده می‌شوند (بامیلر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰، صص. ۱۴۲-۱۲۵). در واقع، معمولاً مشخص شده که بیشترین بهبود در وضعیت و جایگاه زنان در هر دو خانه همسری و پدری خود با داشتن فرزندان پسر اتفاق افتاده است (سان و لین<sup>۴</sup>، ص. ۲۵۲). پدرسالاری نه فقط نابرابری پدر را با سایر اعضای خانواده تحکیم می‌کند، بلکه در بین تک‌تک دیگر افراد خانواده نیز با توجه به عرف و مفاهیم سن، مردانگی و تجربه سلسله‌مراتب تولید می‌کند. پدرسالاری یک سیستم روابط اجتماعی است که نه تنها روش‌های زیستن و شیوه تقسیم اقتصادی در چارچوب خانواده که تفکر و عاطفه را نیز مدیریت می‌کند. تمجید پدر یا مادر بدون نقد ساختاری که درون روابط آن زیست و فکر می‌کنند، تحسین سیستم اخلاقی است که نابرابری را به‌طور سیستماتیک درونی می‌کند. از آنجا که پدرسالاری ناتوان از ایجاد یک سیستم بر محور برابری است، لزوماً به خشونت منجر می‌شود و در نتیجه، حاوی یک سیستم پیچیده توجیه خشونت و یک روش پنهان‌کاری (به‌مثابه یک خشونت در تاریخ‌نگاری) است (گنجوی، ۱۳۹۵).<sup>۵</sup>

1. <http://www.vahidvahdat.blogfa.com/post-220.aspx>

2. household

3. Bumiller

4. sun & lin

5. <http://www.mehdiganjavi.com/2016/08//>



تفاوت‌ها اغلب باعث درگیری بین زنان مسن‌تر و جوان‌تر می‌شود، هرچند تمام این درگیری خشونت نیست. زن مسن‌تر (به‌عنوان مثال مادر شوهر)، از بودن یک زن جوان در خانواده، برای اولین بار به‌عنوان یک دختر و پس از آن به‌عنوان یک عروس، دچار سختی و رنج می‌شوند و مایل به قربانی کردن وی برای موقعیت غالب خودشان به‌عنوان یک مادر و تنها بانوی خانه‌اند (نگپال، ۲۰۰۰، ص. ۲۹۹). او به همان سنت‌هایی ارج می‌نهد که در طول عمر و جوانی خود توسط آن سرکوب می‌شد، اما در حال حاضر او یک ذینفع از این شیوه است. بنابراین، مادر شوهر، نقش مهمی در تشویق عروس به پایبندی به سنت کار خانگی و خانه‌داری که آن را شکل ایده‌آل وظیفه‌زانه می‌دانند، ایفا می‌کند. علاوه بر این، مادر شوهر در این فرهنگ سنتی در صورتی محترم می‌شود و مادری خوب محسوب می‌شود که به ایفای نقش خود در تضمین این اصل بپردازد که زنان جوان در خانواده خواسته یا ناخواسته به افتخار و شرافت خانواده گسترده آسیب نزنند. به عبارت دیگر، آن‌ها باید یک نقش فعال در اعمال قدرت و کنترل بر زنان جوان در خانواده داشته باشند. همچنین، رفتار خود را موازی با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و سنت تنظیم کنند. با این حال، شوهران حسود، اغلب در مورد اینکه چندان نتوانسته‌اند زن خود را با شیوه و رسوم مناسب تطبیق دهند، احساس بی‌احترامی و عدم شرافت می‌کنند، حتی در مواردی که به تشویق مادرشان به سوء رفتار با همسرشان پرداخته‌اند. بنابراین، مردان در یک خانواده ممکن است مادر شوهر را به خشونت با عروس با تأکید بر مسئولیت وی برای نگه‌داشتن سنت‌ها تحریک کنند.

از آنجا که مادر شوهر و عروس در احساس تعلق به یک مرد مشترک هستند، ذهنیت رقابتی ممکن است بین این دو زن به وجود آید. مادر شوهر ممکن است احساس کند که اهمیت او برای پسرش توسط عروسش کاسته خواهد شد، در حالی که عروس ممکن است احساس کند که مادر شوهر دارد ارتباط او را از خانواده خودش قطع می‌کند از نظر دوووال (۱۹۵۴)، روابط خوب سببی مبتنی است بر استقلال کامل زوج‌ها. زوج‌های جوان اگر با والدین و یا در نزدیکی آن‌ها زندگی کنند، به‌طور کامل نمی‌توانند مستقل از نسل‌های

قدیمی تر باشند. از آنجا که اعضای خانواده‌ها ارزش‌ها و نیازهای مختلفی دارند نزدیکی مکانی ممکن است درگیری و تنش به وجود آورد.

تحصیلات عروس: بهبود موقعیت نسبی عروس به مادر شوهر می‌تواند به دلیل سطح تحصیلات باشد. به‌طور کلی، زنانی با تحصیلات بالاتر، مستعد ازدواج در سنین بالاتر هستند و تمایل به استقلال بیشتری نسبت به زنانی با تحصیلات رسمی کمتر دارند (ویلیامز، مهتا، اچ، ۱۹۹۹، صص. ۳۲۲-۲۹۱).

جهیزیه و خشونت مادر شوهر: خشونت مادر شوهر اغلب با رسم سنتی جهیزیه عروس و میزان آن در ارتباط است. دلالت جهیزیه این است که زنان نوعی بار اقتصادی در خانواده همسر هستند و به‌عنوان غرامت پرداخت شده توسط خانواده پدری‌شان در خدمت خانواده همسر هستند. عمل اجتماعی (جهیزیه دادن) که درجه اول در طبقه فوقانی خانواده هندو بود، به‌تازگی به دیگر طبقات و جوامع رواج پیدا کرده (منسکی، ۱۹۹۸، ص. ۲۵۸). علاوه بر این، مفهوم جهیزیه، از طریق فرآیندهای کالایی شدن و جهانی شدن، از یک رابطه هدیه دادن در آغاز ازدواج به وسیله اخاذی توسط داماد و خانواده‌اش تغییر کرده است که گاهی اوقات به خشونت منجر می‌شود. غالباً مادر شوهر نقش مهمی در خشونت در مورد میزان جهیزیه (بلوک و رائو، ۲۰۰۲، صص. ۱۰۲۹-۱۰۴۳). دارد که اغلب نقشش به‌عنوان مجازات کننده و ملامت کننده برای جهیزیه ناکافی، است (واترز، ۱۹۹۹ کوماری، ۳، ۱۹۸۹، صص. ۵۵۰-۳۶۷).

تعارض گفتمان بین مادرشوهر و عروس: فولگر (۲۰۰۱) معتقد است تعارض نوعی تعامل بین افراد وابسته است که ممکن است اهداف ناسازگاری داشته باشند که این امر منجر به دخالت در دستیابی به این اهداف است، در حالی که ران (۲۰۱۰) بیان می‌کند که درگیری برابر تضاد یا اختلاف میان افراد یا گروه‌های دارای نظرات مختلف، منافع، اصول و اهداف

1. Willams. Mehta, H
2. Block and Rao
3. Waters, Kumari

متفاوت است. ژائو (۲۰۰۴) بیان داشته است، محققان قبلی تعارض در بسیاری از زمینه‌ها را بررسی کرده‌اند که در زمینه‌های متقابل جنسیت و تحت یک پس‌زمینه خانواده (باکسر، ۲۰۰۲) مطالعه شده‌اند. اگرچه مطالعات بسیاری در مورد گفتمان تعارض انجام شده است، مطالعه در گفتمان تعارض بین مادر شوهر و عروس نادر است. مادر شوهر و عروس توسط روابط خونی متصل نیستند، اما بستگان سببی هستند. آن‌ها از خانواده‌های مختلف با سبک زندگی متفاوت یا حتی موقعیت‌های مختلف اجتماعی هستند. در نتیجه، آن‌ها ارزش‌ها و نظرات مختلفی را دارند. هنگامی که در یک خانواده زندگی می‌کنند تفاوت قطعاً باعث اختلاف و درگیری می‌شوند و رابطه بین مادر شوهر و عروس بسیار بیشتر ظریف و پیچیده‌تر از هرگونه ارتباطات بین دیگر اعضای خانواده است.

### ۳. روش تحقیق

در این پژوهش، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. روش اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه بود و از مصاحبه نیمه ساختاریافته با پرسش‌های باز استفاده شد. نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری نظری یا مفهومی صورت گرفته است. منطق حاکم در انتخاب حجم نمونه، اشباع نظری بود، اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که در خلال مصاحبه یا مشاهده هیچ اطلاع جدید دیگری ظهور نکند و دسته‌بندی از لحاظ کیفیت و تنوع به خوبی توسعه یافته باشد (استروس و کورین، ۲۰۰۸؛ به نقل از سفیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). نمونه پژوهش زنانی بوده‌اند که هر دو یا یکی از دو نقش مادرشوهر و عروس را تجربه کرده‌اند. مکان مصاحبه‌ها محل کار پاسخ‌گویان، خانه و اغلب قطار بوده است (چراکه در قطار به دلیل اینکه محقق ساعات طولانی را با پاسخ‌گو صرف می‌کند نوعی صمیمیت و خودگشودگی و

---

۱. محقق، دانشجوی دانشگاهی غیر از دانشگاه محل سکونتش بود و جهت ایاب و ذهاب هر هفته یکبار از قطار استفاده می‌کرد و قسمت خواهران و مسافران هم کویه در این مسیر ۱۲ ساعته، فرصتی فوق‌العاده باز همراه با صمیمیت را برای انجام مصاحبه‌ها فراهم ساخت. علاوه بر این، غریبه بودن محقق با مصاحبه‌شوندگان و در نتیجه عدم امکان دخالت و تاثیر در زندگی آن‌ها، ایجاد فضایی از رازداری، اعتماد و گشودگی را در پی داشت.

اعتماد بینشان شکل می‌گیرد که برای تحقیقات کیفی بسیار سودمند است). کرسول معتقد است شاخص‌های ارزیابی یک نظریه داده‌بنیاد، همان‌قدر که بر ارزیابی نظریه تکیه دارد به همان مقدار هم به کل روال و مراحل که برای تولید نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌گردد، تکیه دارد (کرسول، ۲۰۰۵، ص. ۴۱۴). در پژوهش حاضر، پژوهشگر ضمن برقراری ارتباط و جلب اعتماد مصاحبه‌شونده با استفاده از ضبط صوت به ضبط حجم زیادی از روایت‌ها پرداخته است. در ضمن، در حین گفتگو مواردی از گفتگوها را که به نظرش مهم جلوه می‌کرد، یادداشت‌برداری کرده است. به‌طور میانگین، زمان هر مصاحبه ۷۰ تا ۳۵ دقیقه بوده است. مصاحبه توسط محقق چندین بار شنیده و سپس مصاحبه‌ها به صورت خط به خط مکتوب شده و مورد مطالعه قرار گرفته و نکات اساسی شناسایی گردید. درون‌مایه‌هایی که مشخص‌کننده هر یک از نکات اساسی بود، تعیین شد و یک برچسب یا عنوان به آن تعلق گرفت. در مرحله بعد، درون‌مایه‌ها بر اساس ارتباطشان با یکدیگر در خوشه‌هایی مختلف قرار گرفتند و برای هر خوشه یک نام در نظر گرفته شد (اشتراوس و کوربن، ۱۹۹۰؛ کرسول، ۲۰۰۵، ص. ۴۱۴).

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان (نقش: عروس)

شناسه	سن	سطح سواد	محل سکونت	اشتغال	اختلاف سنی
۱-اکرم	۲۷	کارشناسی ارشد	تبریز ولیعصر	مترجم	۳۰
۲-الناز	۲۴	دیپلم	ری	خانه‌دار	۲۰
۳-بتول	۶۵+	بی‌سواد	عجب‌شیر	خانه‌دار	-
۴-پروین	۴۲	لیسانس	تبریز	ماما	۳۰
۵-توران	۴۵	متوسطه	کوزه کنان	خانه‌دار	۲۷
۶-منیژه	۴۲	دیپلم	تهران. فاطمیه	غسال	۳۳
۷-حمیده	۶۴	راهنمایی	مشهد	خانه‌دار	-
۸-رعنا	۲۹	دیپلم	قم	خانه‌دار	۳۲
۹-رقیه	۴۴	راهنمایی	میانه	خانه‌دار	۲۷

شناسه	سن	سطح سواد	محل سکونت	اشتغال	اختلاف سنی
۱۰-زهرا	۲۸	دانشجوی دکتری	تبریز	خانه‌دار - دانشجو	۳۰
۱۱-زکیه	۴۷	پنجم ابتدایی	تبریز	خانه‌دار	۳۵
۱۲-سحر	۲۸	لیسانس	تبریز	دانشجو	۳۸
۱۳-ساناز	۲۸	دانشجوی دکتری	تبریز	دانشجو	
۱۴-شهین	۳۵	مدرس دانشگاه	تهران		۳۰
۱۵-شیدا	۳۰	معلم	اصفهان		۲۰
۱۶-شهناز	۳۴	آرایشگاه	تبریز		۳۳
۱۷-فاطمه	۲۹	فوق لیسانس	تبریز	خانه‌دار	۴۰
۱۸-معصومه	۳۰-۲۵	-	تهران	خانه‌دار	۳۸
۱۹-عطیه	۲۳	-	تبریز	خانه‌دار	۲۷
۲۰-هانیه	۲۸	لیسانس	بناب	آشپز	۲۷
۲۱-مرجان	۴۰	سیکل	تهران	خانه‌دار	۴۰

جدول ۲. توصیف ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان (نقش: مادر شوهر)

شناسه	سن	تحصیلات	شهر	شغل	تعداد عروس
راحله	۵۵	ابتدایی	تبریز	خانه‌دار	۳
سکینه	۶۴	ابتدایی	مشهد	خانه‌دار	۱
اعظم	۷۵	بی سواد	کوزه کنان	خانه‌دار	۴
حوری	۶۵	بی سواد	عجب‌شیر	خانه‌دار	۳
طیبه	۷۰	بی سواد	تهران	خانه‌دار	۴
صدیقه	۶۰	دیپلم قدیم	تهران	بازنشسته ارتش	۱
مهدیه	۴۷	-	تبریز	آرایشگر	۱

## ۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، به بررسی نوع رابطه بین مادر شوهر - عروس و عوامل و راهبردها و پیامدهای این رابطه پرداخته شده است. پس از گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها بر

اساس مراحل کدگذاری « نظریه بنیانی » در جواب سؤالات پژوهش، مدل پارادایمی رابطه مادر شوهر و عروس حول پدیده مرکزی «پذیرش جایگاه من» ترسیم گردید. این انتخاب به این دلیل بود که در مصاحبه‌های انجام‌یافته مفاهیمی با بن‌مایه نقش من، جایگاه من، احترام به موقعیت من، رعایت حد و حدود، مسائل من، مرز و حیطة شخصی من، اختیارات من، حق من، ... به فراوانی تکرار می‌شد و به نظر می‌آمد این مقوله به‌عنوان مقوله مرکزی قدرت جذب سایر مقولات پیرامون و برتری نظری نسبت به سایر مقوله‌ها را دارد. جدول (۳) نتایج حاصل از مرحله کدگذاری داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقولات مستخرج از مصاحبه‌ها

ردیف	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله هسته‌ای
۱	اظهارنظر در مورد مکان سکونت زوجین، نظر دادن و گرفتن ایراد در مورد دکوراسیون منزل، پوشش عروس، شیوه خانه‌داری و پخت غذا.	دخالت در زندگی شخصی عروس (مادر شوهر در جایگاه محق دخالت)	جایگاه مادر شوهر
۲	انتظار حرف‌شنوی از شوهر توسط عروس، انتظار سکوت در برابر زورگویی و خشونت از سوی شوهر، انتظار سازگاری و سکوت از عروس در مقابل خیانت همسر، سرزنش پسر به خاطر کمک به همسر در کارهای منزل، تحریک پسر به خشونت و کتک زدن همسر برای اثبات مردانگی.	کمک به تداوم فرهنگ مردسالارانه (مادر شوهر در جایگاه حافظ فرهنگ مردسالاری)	
۳	تأکید بر نقش خانه‌داری و کدبانوگری، توصیه به حجاب، انجام عبادات، خداترس و ظلم نکردن به عروس. بی‌سواد، بی‌خبر از دنیا و ساده دل و زودباور، مطیع پدرشوهر، خرافاتی.	مادر شوهر در جایگاه حافظ سنت‌ها و مذهب (نیازمند تأیید و پذیرش از سوی عروس)	
۴	مادر شوهر خسیس، حساس به مقدار جهیزیه و سیسمونی ، دخالت گر در نحوه مصرف درآمد شوهر توسط عروس.	حافظ منافع اقتصادی	

ردیف	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله هسته‌ای
۵	انتظار دریافت هدایا و محبت برابر با عروس از پسر، توطئه‌چینی و بدگویی از عروس، توسل به سحر و جادو برای از چشم انداختن عروس، بی‌مחلی کردن و طعنه زدن به عروس، فحش دادن، توهین به عروس و خانواده‌اش، چاپلوسی و قربان صدقه رفتن پسرش	حسادت، رقابت و ستیز	
۶	تصمیم‌گیری درباره نحوه هزینه درآمد زوجین، محدود کردن ارتباط عروس با خانواده‌اش، دخالت در امور شخصی زوجین.	سلطه‌طلب و مستبد بودن	
۷	دلسوزی، نصیحتگر، کمک مالی، مثل مادر بودن، عدم فرق‌گذاری بین دختران خودش و عروس، نگهداری از نوه‌ها، اجتماعی و اهل معاشرت.	حمایتگر و مهربان	
۸	خودخواهی، انتظارات بیجا از عروس، کار کشیدن از عروس، عدم کمک به عروس، مقایسه کردن پسر و عروس با بقیه.	طلبکار	
۹	طبیعی بودن، حق داشتن، خود را جای طرف گذاشتن.	همذات‌پنداری	
۱۰	استقلال مالی، شاغل بودن، سطح تحصیلات، سن ازدواج، حمایت خانواده، بیوه یا متأهل بودن	سرمایه اجتماعی	
۱۱	دخالت نکردن، عروس را به چشم دختر دیدن، به‌روز بودن، حسود نبودن، احترام به خانواده عروس.	مادر شوهر ایده‌آل	
۱۲	احترام گذاشتن، حرف‌شنوی خودخواه نبودن، عدم فرق‌گذاری بین خانواده خودش و خانواده شوهرش، قدرشناس بودن و قناعت، نجابت.	عروس ایده‌آل	

### عوامل علی

عوامل علی که بر رابطه مادر شوهر و عروس تأثیرگذار است و در مصاحبه‌ها به کررات ذکر شده عبارت‌اند از: تأیید و احترام، حمایتگری، مداخله و خودمحوری، سلطه‌جویی، دشمنی، توطئه، جادو و حسادت.

## تأیید و احترام

از آنجایی که روابط مادر شوهر و عروس سببی است و هریک از طرفین در برهه‌ای از عمرشان (نه اینکه از بدو تولد) وارد این رابطه می‌شوند (معمولاً مادر شوهر در میان‌سالی و عروس در جوانی)، در مصاحبه‌ها این مورد زیاد به چشم می‌خورد که به‌خصوص در اولین سال‌های ازدواج برای هر دو طرف بسیار مهم است که مورد تأیید (به‌خصوص در مورد عروس) و مورد احترام (به‌خصوص در مورد مادر شوهر) طرف مقابل باشد. در واقع به نظر می‌رسد طرفین برای یکدیگر در حکم «خود آینه‌سان کولی» باشند و در صورتی که این آینه تصویر مطلوب را نشان ندهد، این رابطه دچار شکست می‌شود.

راحله ۵۵ ساله سه تا عروس دارد از عروس سومش خیلی راضی است:

«خیلی احترام می‌ذاره؛ یعنی خانوادگی اینطورند. زبان چرب و نرمی داره هر وقت چند روز مرا نمی‌بیند بغلم می‌کند می‌گوید: مادر من دلم برات به ذره شده تو چی، خیلی محبت می‌کند».

منیژه ۴۲ ساله: «از من خوشش نمی‌آید چون خودش دوست داشت خواهرزادشو برای پرسرش بگیرد، اما من و شوهرم که چهارسال از من کوچک‌تر است با هم دوست بودیم. با آمدن من خانمی و قدرتش تو خونه کمتر شد، حالا پرسرش با من بود و دیگه حرف‌شنویش از مادرش کمتر شده بود. پدرشوهرم هم که منو خیلی دوست داشت خوب عموم بود با توجه و محبت به من باعث حسادتش می‌شد، اما قبلاً همه کاره خونه خودش بود».

ساناز ۲۸ ساله: «نمیتونه ازم تعریف کنه. اصلاً بلد نیست که بگه ماشالله دختر زرنگ و باسلیقه‌ای هست. هم شوهرشو خوب نگه می‌داره هم به خوشش خوب می‌رسه، هم گاهی کار بیرون انجام می‌ده، هم دکترا قبول شده، هم عرض چند سال دوتا بچه آورده، بدون هیچ کمکی خودش سرپاست، نمیتونه ازم تعریف کنه».

سکینه ۶۴ ساله: «یک عروس دارم، فوق‌العاده دوستش دارم خیلی با ادبه. تو این بیست سال همیشه به ما احترام گذاشته و خیلی مؤمنه، خوش همیشه تمیزه آشپزیش حرف نداره».



### دخال و خودمحوری

مقوله دخالت کردن در همه مصاحبه‌های انجام‌یافته به استثناء موارد اندک شماری شنیده می‌شد. اکثریت عروسان به شدت معتقد بودند که مادرشوهرشان در زندگی شخصی آنها دخالت می‌کند و همین عامل علت بسیاری از دلخوری‌ها و مشاجره‌ها هست، می‌توان گفت این ویژگی مهم‌ترین خصلت ذکرشده برای مادر شوهران در این پژوهش است و با مقوله مرکزی تحقیق (پذیرش جایگاه من) به شدت همبسته هست. به نظر می‌رسد تعریفی که مادر شوهران از حدود مرز نقش خود دارند و حیطه‌ای که حق دخالت در آن را دارند و برای خود قائلند بسیار وسیعتر از حدودی است که عروسان برایشان قائل‌اند. در واقع دخالت کردن مادر شوهر، به عروس این حس را منتقل می‌کند که گویی مورد تأیید مادر شوهر نیست و شاید بتوان گفت در حکم خود آینه‌سانی عمل می‌کند که تصویر مطلوبی از عروس ارائه نمی‌دهد. بتول ۶۵ ساله: «مادر شوهرم زن خوبی بود تو زندگی شخصی من دخالت نمی‌کرد، به عروس هاشم سفارش می‌کرد به دخل و خرج هم کاری نداشته باشند».

الناز ۲۴ ساله: «با من خیلی مستبد و انحصارطلبه و فوق‌العاده تو زندگی دخالت می‌کنه، از چیدن بوفه تا نحوه خرج کردن پول و لباس پوشیدن، خیلی آدم سنتی است و دائم از همه چیز ایراد می‌گیره».

رقیه ۴۴ ساله: «مادر شوهرم و من مثل دوتا دوست بودیم، تو زندگی من دخالت نمی‌کرد».

شهین ۳۵ ساله: «او نه تنها خودش انسان دیکتاتور و خودخواهی است، بلکه بچه‌هایش را هم طوری تربیت کرده که انتظار دارند همیشه دیگران باید به آنها خدمت کنند، خودمحورند و دنبال تسلط و زورگویی».

هانیه ۲۸ ساله: «به نظر من مادر شوهر موجودی حسود با توقعات و انتظارات بالاست که تو همه چیز عروس دخالت می‌کنه، من روز خواستگاری فکر می‌کردم مادر شوهرم یه

فرشته است، اما حالا فهمیدم اونم تو هرکاری اول به منافع خودش فکر می‌کنه نه بچه هاش».

### حمایت‌گری

با توجه به نظریه مبادله و گفته‌های پاسخ‌گویان می‌توان گفت این رابطه همانند بسیاری از روابط در صورتی به شکل مثبت ادامه می‌یابد که طرفین احساس کنند که در این رابطه چیزی یا سودی به دست آورده‌اند. در مصاحبه‌ها، هم مادر شوهران و هم عروسان بیان می‌کردند حمایتی مادی و عاطفی که دریافت می‌کنند، چقدر برایشان مهم و رضایت‌آور است و موجب استحکام رابطه‌شان می‌شود.

طیبه ۷۰ ساله چهارتا عروس دارد از عروس اول بسیار راضی است:

«هفت سال با عروس بزرگم تو یه خونه زندگی کردیم، تو این هفت سال یه اخم هم به هم نکردیم. می‌رفتم بیرون می‌اومدم می‌دیم خونه رو مثل دسته گل تمیز کرده، برا من یه جور غذا پخته برای خواهر و برادرشوهراش که هنوز ازدواج نکرده بودن یه جور. من و شوهرم هم همه ثروتمون رو به اسم اون زدیم می‌دونیم تو پیری مراقبمون هست هواسو داریم، حتی یه بار که پسر (شوهرش) کتکش زده بود من رفتم با سیلی زدم تو گوش پسر».

فاطمه ۲۹ ساله: «مادر شوهر من سه سال پیش فوت کرد. من دوستش داشتم چون هوامو داشت وقتی از یه شهر دیگه برای ارشد قبول شدم، گفت: برو بخون نگران شوهرت نباش، خودم مراقبشم. همیشه شوهرم رو ترغیب می‌کرد که تو کارهای خونه بهم کمک کنه».

زهرا ۲۸ ساله: «زن خودخواهیه و همیشه از همه طلبکاره و گله‌مند. همیشه از ما انتظار داره بهش محبت کنیم، اما خودش همیشه برای آدم کم میذاره و دلسوزی حتی برای پسرشم نمی‌کنه، مدام حرفای نیش‌دار میزنه؛ یعنی غیرمستقیم بقیه رو به رخت می‌کشه که یعنی بچه‌ها و عروسای مردم که چه کارا برایشون نمی‌کنن. به خدا حاضر نیستم به اندازه یک

قوطلی کبریت چیزی بهم بده یا محبتی کنه چون این کار رو با چنان متنی انجام می‌ده که حالت گرفته میشه».

مرجان ۴۰ ساله: «من شوهر اولم معتاد بود و این مادر شوهرم بود که مراقب من بود. برام مثل یه پناهگاه بود، باهم قالی می‌بافتیم و خرج زندگیمون رو در می‌آوردیم، زن فوق العاده با سیاست و زیرکی بود. هیچ وقت چیزی را مستقیماً از آدم نمی‌خواست یا عیب‌های آدم را مستقیم گوشزد نمی‌کرد، وقتی هم که دخترهایش شوهر کردن و منو و اون با هم تو خونه تنها شدیم منم دیگه مثل دخترش شدم، اما دخترش همیشه به این رابطه حسودی می‌کردند و سعی می‌کردند اونو علیه من تحریک کنند».

#### دشمنی، توطئه و حسادت

هریک از طرفین در مصاحبه‌ها بیان می‌داشتند که طرف مقابل انگار دوست دارد جای او را بگیرد در اینجا وجود یک منبع عاطفی به نام شوهر و همسر به‌عنوان منبع کشمکش برای طرفین محسوب می‌شود و هر یک آگاهانه یا ناخودآگاه، در تلاش است تا سهم بیشتری از این منبع داشته باشد. وقتی طرفین دارای چنین دیدگاهی هستند ناخودآگاه احساس می‌کند طرف مقابل در حال برنامه‌ریزی برای کم‌رنگ کردن و تحقیر اوست. طرفین دائم در حال مقایسه رفتار پسر (شوهر) با خودش و طرف مقابل (عروس یا مادر شوهر) است تا ببینند پسر (شوهر) چه جایگاهی برای او در مقابل مادر یا همسرش قائل می‌شود.

شهین ۳۵ ساله: «با گذشت زمان تازه فهمیدم با چه موجودی طرفم. در واقع مادر شوهر من یک شیطان مجسم است هر روز مشغول توطئه‌چینی علیه زندگی مشترکم است، هر روز از طریق تماس یا تلگرام، همسرم را علیه من تحریک می‌کند، دوست دارم زودتر بمیرد تا من و همسرم یک آب خوش از گلویمان پایین برود».

راحله ۵۵ ساله: «فقط خودشو می‌بینم، انگار نه‌انگار که خانواده پسر یک عمر برای بچه‌شان زحمت کشیده می‌خواهد فقط مال خودش باشه. پسر قبل از اینکه باهاش ازدواج کنه هر روز به خواهرش که تو یه شهر دیگه است زنگ می‌زد، من جایی می‌رفتم سراغم رو

می گرفت هوای برادرشو داشت می گفت می خندید، اما بعد نامزدی همیشه افسرده است. ماه‌ها یادی از خواهرش نمی‌کنه، خیلی با من سرد شده. همش تو خودشه و دیگه اون آدم با محبت نیست از بس عروسم تو گوشش از ما بد می‌خونه».

منیزه ۴۲ ساله: «ویژگی‌های بد مادر شوهرم خیلی زیاده مثلاً خیلی مستبد و خسیسه و شلخته و بدتر اینکه سخن‌چین، جادوگر و فتنه است، همیشه در جیب و لباس شوهرم یا تو خونمون دعا و سحر می‌ذاره برای شوهرم چاپلوسی می‌کنه و با چرب‌زبانی پولاشو می‌گیره و خرج می‌کنه، اما با من بد زبانه وقتی می‌رم خونش اصلاً تحویل نمی‌گیره اوایلم مثل نوکر از من کار می‌کشید».

عطیه ۲۳ ساله: «مادر شوهر من تنها زمانی با من کنار میاد و خوب میشه که تمام اختیار زندگی رو بدم دستش و خودمم صبح تا شب مثل برده‌ها اسیر دستش باشم. مادرشوهر موجودی است که چشم دیدن عروس را ندارد و فکر می‌کند اگر عروس نباشد هرچی که هست اعم از لباس، طلا، پول، مال اون میشه به خاطر همینکه که هی از عروس ایراد می‌گیره».

#### مادر شوهر در جایگاه حافظ سنت‌ها و مذهب

در مصاحبه‌ها به‌وفور دیده می‌شد که مادر شوهران نظر مساعدتر و تأییدگرانه‌تری نسبت به عروسانی داشتند که به ارزش‌های سنتی چون نجابت و قناعت، دین‌داری، کلیشه‌های زن سنتی چون کدبانوگری و خانه‌داری و زنانگی وفادار بودند. به نظر می‌رسد وقتی عروسان به فرهنگ سنتی احترام می‌گذارند برای مادر شوهران در حکم احترام به خودشان است. آن‌ها سنت را بخشی از خودشان می‌بینند و احترام عروس به سنت را انگار تأیید و پذیرش خودشان از سوی عروس می‌دانند.

رعنا ۲۸ ساله: «مادر شوهر من چون خیلی مؤمنه تو هیچ‌چیز زندگی دخالت نمی‌کنه، اذیت‌مم نمی‌کنه هیچ‌وقت پسرشو علیه من تحریک نمی‌کنه».

سکینه ۶۴ ساله: «عروسای امروز هم خیلی ولخرجند، هم خیلی زودرنج، اون موقع طلاق خیلی بد بود می‌گفتن دختر با چادر سفید میره خونه شوهر با کفن سفید ... اما حالا این طوری نیست»

در اکثر موارد، عروسانی که مادر شوهرشان را انسانی مؤمن معرفی می‌کردند، احساس رضایت بهتری از وی داشتند.

#### شخصیت همذات پندار

مصاحبه‌شوندگانی که در توصیف رفتار طرف مقابلشان از کلمات و عبارات: «طبیعی است»، «حق دارد»، «من هم جای او بودم همین کار را می‌کردم» و... استفاده می‌کردند، رابطه بهتری با مادر شوهر یا عروسشان داشتند چون توانایی همذات‌پنداری داشتند و نکته مهم دیگر این بود که با گذشت چند سال از ازدواج این ویژگی بیشتر به چشم می‌خورد، همچنین مادرشوهرانی هم بودند که بیان کردند، حال که به گذشته و رفتارهای مادر شوهر خودشان فکر می‌کنند احساس می‌کنند آن موقع بد قضاوت کرده‌اند.

توران ۴۵ ساله: «مادر شوهرم فوق‌العاده خسیسه، چون زندگی سختی داشته پدرشوهر مرحومم خرجی نمی‌داده و مجبور بود خودش با چادردوزی و خیاطی پول دربیاره. پدرشوهرم همیشه کتکش می‌زده و الان نمی‌تونه محبت پسرشو به من تحمل کنه. از ویژگی‌های دیگه اون اینکه خیلی بدید ندیده و خیلی حسود و به همه چیز گیر میده همیشه غر میزنه و ایراد می‌گیره و کلاً دائم حرف می‌زنه و فک کنم به خاطر زندگی سختی که گذرانده، کلاً اعصابش خرابه».

سکینه ۶۴ ساله: «مادر شوهرم فکر می‌کرد پسرش فقط مال خودش که الان به نظرم طبیعی می‌آید و اینکه خیلی کم بودن جهازم را سرم می‌کوبید، اما الان بهش حق میدم چون خودش به سختی و تنگ‌دستی زندگی کرده بود».

منیژه ۴۲ ساله، روابطش با مادر شوهرش بسیار پرتنش بوده است و اکنون قطع رابطه کرده است، او در پاسخ به این سؤال که آیا تا حال خودش را جای مادر شوهرش گذاشته

گفت: «تا حالا بهش فکر نکردم خودم رو بجای اون نداشتم، اصلاً نمی‌تونم خودم رو جای اون بذارم ببینم ممکنه چی پشت سرم می‌گه یا چه عیبی تو من می‌بینه، بهش فکر نکردم که اگر من تو شرایط اون بودم چطور رفتار می‌کردم».

### قدرت

رابطه مادر شوهر و عروس همانند هر رابطه‌ای، متکی بر قدرت و حمایتی است که طرفین رابطه از آن برخوردارند. به گفته جامعه‌شناسان، قدرت، ذات هر رابطه‌ای است. عوامل بسیاری بر قدرت طرفین تأثیر دارد. مصاحبه‌ها نشان داد عوامل مادی (سرمایه‌گذاری روی تحصیلات دختران، دادن جهاز خوب) و معنوی (عدم اجبار دختر به ازدواج در سن پایین، طرفداری و حمایت از دختر در هنگام دعوا و تنش وی با همسرش، ...) موجب تغییر در موقعیت عروس‌ها و رابطه‌شان با خانواده همسر به‌خصوص مادرشوهر گردیده است. اکثریت مادر شوهران معتقدند و حس می‌کنند قدرت عروس‌های امروزی بیشتر شده است و عواملی چون شاغل شدن زنان، کاهش تعداد فرزندان در خانواده و به تبع آن اهمیت یافتن فرزند و فرزندسالاری و در نتیجه حمایت مادی بیشتر از دختر خانواده، بر این افزایش قدرت تأثیر گذاشته است.

حمیده ۶۷ ساله: «عروس‌های امروز با قدیم خیلی تفاوت دارن، قدیم از شوهراشون می‌ترسیدند از نظر مادی وابسته نیستند. پدر و مادر پشتیبانشون هستند چون جهاز خوب هم میارند زبونشون هم درازتره، اگه حقوق هم داشته باشند که دیگه هیچ».

حوری ۶۵ ساله: «عروس و مادر شوهر با هم در گذشته مهربان‌تر بودند. من خودم اگر یک روز مادر شوهرم را نمی‌دیدم دل‌تنگش می‌شدم، عیب عروس‌های امروز این است که چون در سن بالاتری ازدواج می‌کنند حرف‌شنوی کمتری دارند. از هیچ‌چیز پروا ندارند، خیلی به مادیات اهمیت می‌دهند ریال احترام نمی‌گذارند و توقعات اقتصادیشان خیلی بالاست».

در مورد مادرشوهران این ترازوی قدرت هنگامی سنگین تر است که مادر شوهر دارای استقلال مالی از پسر و عروسش باشد و یا نفوذ وی روی پسرش زیاد باشد یا مورد حمایت سایر اعضای خانواده در مقابل عروس باشد.

بتول ۶۵ ساله: «مادر شوهرم باهمه عروساش خوب بود، فقط اوایل عروس اولش را اذیت کرده بود، شاید دلیلش آن بود که آن زمان شوهرش هنوز مرحوم نشده بود و مادر شوهرم به شوهرش مغرور بود».

### فرهنگ مردسالاری

همان طور که در پیشینه نظری هم گفته شد، در نظریات فمینیستی عشق مادرانه در نظام پدرسالاری، به یک رابطه مالکانه بیمارگونه بدل می شود. مادران، قربانیان دیرین پدرخواندگی در کالبد پسرانشان تغییر جنسیت می دهند و نظام پیشین را خشن تر از قبل بازمی آفرینند. مادر با فرافکنی آرزوها و عقده‌ها بر فرزند ذکور، او را «آلت» خود می کند تا با التذاذ سادیسمی از این هویت مردانه، خود را ارضا نماید.

راحله ۵۵ ساله: «خواهر عروسم، عروس فامیلمون بود، خیلی مظلوم و ساکت بود، شوهرش پیش همه کتکش می زد، صداشم در نمی اومد. خیلی دختر سازگاری بود ما فکر کردیم حتماً خواهرشم این قدر خوبه، به خاطر همین واسه پسر گرفتمش، اما حالا می بینیم اصلاً این یه چیز دیگه است از هیچ کسی حساب نمی بره، پسر من انگار زن نگرفته، بلکه شوهر کرده، اختیارشو داده دست زنش».

منیژه ۴۲ ساله: «مادر شوهر من خودش پسر نداشت و شوهر من پسر ناتنیش است، اما با این حال خیلی برای شوهرم چاپلوسی می کنه و شوهرم خیلی تحت نفوذشه، چند بار اونقدر تو گوش شوهرم خونده که شوهرم کتکم زده... شوهرم برایش پول خرج می کنه و از من مخفی می کنه».

سحر ۲۸ ساله: «مادر شوهر من دوتا پسر ناتنی و یک دختر ناتنی هم دارد، با اینکه من عروس خودش هستم، ولی پسرهای ناتنی اش را بیشتر از من تحویل می گیرد و کلاً پسر

دوست دارد، ولی دختر نه، دختر ناتنی اش را زیاد دوست ندارد، اما باز به شوهر او بیشتر اهمیت می دهد».

عطیه ۲۳ ساله: «مادر شوهر من وقتی می بینم شوهرم تو کارای خونه به من کمک می کنه ناراحت میشه، البته در مورد دختر و دامادش این طوری نیست، هر وقت هم اختلافی پیش میاد غیرت مردم رو تحریک می کنه که تو چه جور مردی هستی که اختیار زنتو نداری، مردی گفتن، زنی گفتن. تو زن گرفتی یا زن شدی، شوهرم با اینکه اصلاً آدم زورگو و مستبدي نیست، یه بار برای اینکه مردی شو به اونا ثابت کنه پیش اونا سرم داد زد و باهم تند حرف زد و من رو خرد کرد».

حوری ۶۵ ساله دو تا عروس دارد: «از هر دو راضی هستم هر دو خودشان حقوق دارند، اما خرج و حقوقشان را از شوهرانشان جدا نکرده اند و از عروس دوم بیشتر راضی ام، چون عروس کوچک تر حرف شنوی بیشتری از شوهرش دارد».

#### نقش شوهر (پسر)

الناز ۲۴ ساله: «نقش همسر من تو رابطه ام با مادر شوهرم خیلی منفیه، چون همیشه طرف مادرش را می گیره و با این کار مرا نسبت به مادرش بدبین تر می کنه و بیشتر دلگیر میشم اصلاً محکم و قاطع نیست».

اکرم ۲۷ ساله: «در اینکه مادر شوهر و عروس با هم خوب باشند، نقش مرد خیلی مهمه، مرد نباید دهن بین باشه و باید شخصیت محکمی داشته باشه با اینکه من و مادر شوهرم با هم خیلی متفاوت بودیم، اما این همسر بود که همیشه با سیاستش فضا رو آروم نگه می داشت».

منیژه ۴۲ ساله: «اگر شوهر من فقط چند بار جلوی رفتار زشت مادر شوهرم می ایستاد و از من دفاع می کرد، مادرش جرئت نمی کرد اونقدر من رو اذیت کنه. میدونی اگه شوهرم نمی گذاشت مادرش پشت سر من غیبت رو پیشش بکنه و نمی گذاشت من غیبت مادرش رو پیشش بکنم، رابطه ما الان بهتر بود».



### استراتژی و تعامل‌های راهبردی

تعامل‌های راهبردی کنش‌های با منظور و عمدی‌اند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند. عمل/تعامل‌ها، در اثر تعریف و معنایی که افراد به موقعیت‌ها می‌دهند تحول می‌یابند (اشتروس و کرین، ۱۳۹۰، صص. ۱۵۵-۱۵۶).

مصاحبه‌ها نشان داد که در این رابطه تنوع استراتژی‌ها و راهبردها وجود دارد که در حالت کلی این راهبردها را می‌توان به چهار نوع اشاره کرد:

۱- راهبردهای منفعلانه: سکوت کردن، قهر کردن بدون مشاجره، عذرخواهی و نادیده گرفتن به اجبار همسر یا پسر، چشم‌پوشی از سوی مادر شوهر برای حفظ رابطه با عروس و پسرش، علاقه به حفظ رابطه حتی با وجود ناراحتی به خاطر دل‌بستگی به نوه‌ها و ... .

۲- واکنش غیرمستقیم: غیبت کردن از طرف مقابل پیش همسر یا پسر یا پدر شوهر برای تحریک شخص سوم برای اقدام متقابل و ... .

۳- واکنش مستقیم: مقابله به مثل، رک‌گویی، حاضر جوابی و مشاجره و دعوا.

۴- در مصاحبه‌ها از راهبرد گفتگو برای حل مسئله کمتر سخن به میان می‌آمد، حتی در مواردی که گفتگو صورت می‌گرفت بیان شده است که گفتگو سریعاً حالت مشاجره به خود گرفته است.

شهرین ۳۵ ساله: «اوایل و در زمان عقد من در برابر رفتارهای بد مادر شوهرم سکوت می‌کردم می‌ذاشتم به حساب علاقه زیادی که به پسرش داشت و اینکه فکر می‌کنه پسرش داره ازش دور میشه، بعد دیدم من هرچی احترام می‌ذارم این رفتارهاش باز همونه، دیگه سعی کردم در محبت کردن اسراف نکنم، کم کم مشاجره‌هامون زیاد شد و الان چهار ماهه قطع رابطه کردیم که اگه به اختیار من باشه، هیچ‌وقت آشتی نمی‌کنم».

شیدا ۳۰ ساله: «وقتی از مادر شوهرم ناراحت می‌شم به خودش چیزی نمی‌گم، بلکه

تلافی‌اش رو سر پسرش در میارم».

پروین ۴۲ ساله: «من آدم رکی هستم، هرکس ناراحتم کند یا بخواهد طعنه بزند همانجا جوابش را می‌دهم و موضوع را حل می‌کنم. این موضوع باعث شده مادر شوهرم نتواند زیاد در امور من دخالت کند یا ناراحتم کند».

مهديه ۴۷ ساله: «حالا ديگه فهميدم چطور با عروسم حرف بزنم که ديگه طغيان نکنه و جواب سربالا نده، وقتی می‌خوام ایرادی رو بهش گوشزد کنم یا نصیحتی بکنم یا چیزی بخوام خیلی با ملایمت و با حالت التماس مانند می‌گم، مثلاً اکثر می‌رفت چند روز خونه مادرش و پسرش رو خونه تنها می‌گذاشت با ملایمت بهش گفتم دخترم این کار را نکن مراقبت زندگیت باش زموه خراب شده، گفتم: «آنا<sup>۱</sup> اون همچین مردی نیست». گفتم: عزیزم منم می‌گفتم پسرش مردی نیست که بی‌اجازه من ازدواج کنه، اما کرد».

#### پیامد

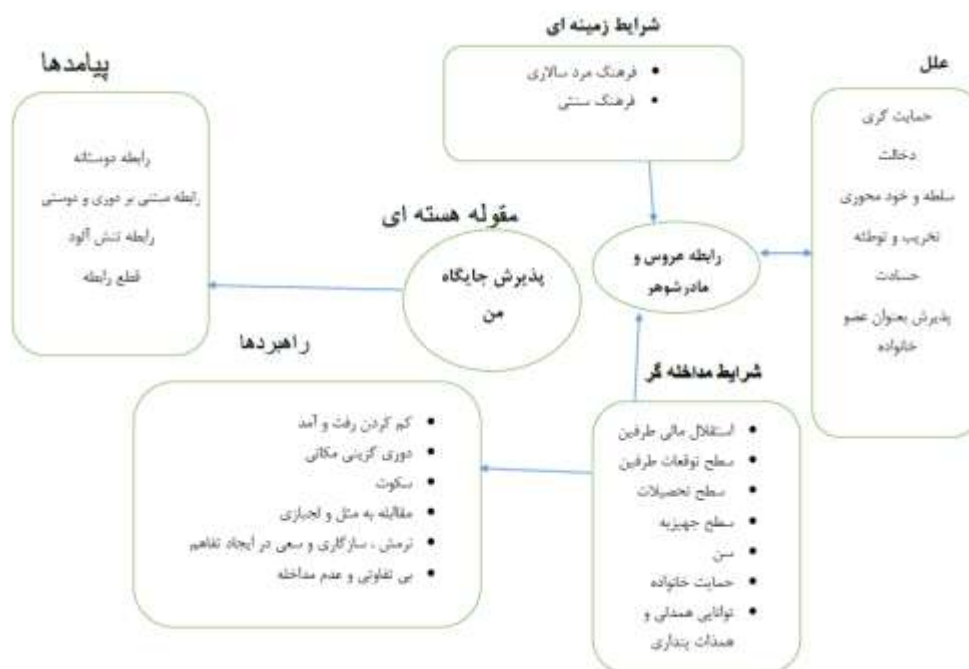
به وجود آمدن حس تنفر، افسردگی و بیماری‌های روانی، آرزو و دعا برای مرگ مادر شوهر، طلاق دادن همسر به تشویق مادر، قطع رابطه، دوری و دوستی از جمله پیامدهای روابط منفی بین مادر شوهر و عروس است. در مورد روابط مثبت، به وجود آمدن حس مادر دختری، احساس صمیمیت و دوستی و همیاری در مصاحبه‌ها اشاره شد.

عطیه ۲۳ ساله: «اونقدر تو این چند ماه کشیدم از دست مادر شوهرم که حساب نداره، الهی لال از دنیا بره. خدا لال از این دنیا ببرشون که با نیش زبون آدم رو فلج نکنن. دوست دارم مادر شوهرم رو بکشم از دستش خلاص بشم».

معصومه: «فقط دلم می‌خواد حرصش بدم، تازگیا اصلاً باهاش زیاد حرف نمی‌زنم فقط یه سلام ساده. من رعایت می‌کردم، ولی خودش باعث شده، لال شه ایشالله. سر قبرش من به خدا می‌خندم».

۱. کلمه ترکی به معنای مادر

مهديه ۴۷ ساله: «من و عروسم در شرایط بدی باهم آشنا شدیم، باوجود مخالفت من با پسرم از شهر خودش فرار کرد و به خانه من آمد، روزهای بدی بود، دائماً با هم دعوا می کردیم، از هم خوشمان نمی آمد افسرده شده بودم. با اینکه وضع مالی مان خوب نبود مجبور بودم هم بهش وسایل زندگی بدهم به جز رخت تنش چیزی نداشت و هم مجبور شدم برایش خونه رهن کنم، حالا بعد از گذشت شش سال خودش میگه: «آنا وقتی حمایت و کمک های تو رو با بقیه مقایسه می کنم، می فهمم شما خیلی بهتری». احساس می کنم مثل دختر نداشته ام است، وقتی مهمان دارم کمکم می کند، وقتی در آرایشگاه سرم شلوغه کارهای خونم رو می کنه».



شکل ۱. مدل پارادایمی روابط مادر شوهر و عروس

## ۵. نتیجه گیری

این پژوهش با استفاده از رهیافتی کیفی و روش نظریه مبنايي، به بررسی و تحلیل نوع روابط بین مادر شوهران و عروسان پرداخته است. مقوله یا هسته مرکزی این پژوهش «پذیرش جایگاه من» بود. این پدیده اشاره به موقعیتی دارد که در آن عضو جدیدی (عروس) به خانواده وارد می شود که نقش جدیدی به نام عروس برای او تعریف شده است. در مقابل، این زن جوان و تازه وارد، زنی میان سالی قرار دارد که یکی از دو پایه، اساس و بنیان تشکیل خانواده اولیه بوده است؛ یعنی نقش مادر شوهر. هر دو نقش با مسئله ابهام نقش همواره روبه رو بوده است. مخصوصاً در ایران در حال گذار امروز که هر کدام از طرفین، یعنی عروس و مادر شوهر تعریف متفاوتی از جایگاهشان و به تبع آن حقوق، وظایف و انتظارات نقشی از آن دارند. مادر شوهری که پیش از این خود عروس یک فرهنگ مردسالار بوده که برای او به عنوان یک زن، جز نقش های همسر و مادری و خانه داری نقش دیگری قائل نبوده و تمام نقش ها و کارکرد او معطوف به حوزه خانواده بوده است. او در جوانی تحت تسلط و مطیع مادر شوهرش بوده است که برای او سلطان بانویی (الگوی مرجع) به شمار می آمده است که آرزو داشت روزی در نقش و جایگاه او قرار گیرد. او به همان ارزش ها و سنت های معتقد و پایبند بود که مادر شوهرش معتقد بود. با تولد فرزند پسر وی این آرزو را تحقق یافته، می پنداشته، اما در عمل چنین اتفاقی نمی افتد. حال گذر زمان و مدرنیته همه چیز و حتی تعریف زن بودن، عروس و مادر شوهر بودن را نیز تغییر داده است. آنچه او از آغاز حضور عروسش حس می کند، این است که این عضو تازه وارد زن چندان مطیعی نیست. نه تنها از او اطاعت نمی کند، بلکه از همسرش نیز حساب نمی برد. مادر شوهران به کرات در مصاحبه ها از عروسان شکایت می کردند که آن ها به ما احترام نمی گذارند، به ما اهمیت نمی دهند، سپاسگزار زحمت هایی که برای شوهرانشان کشیده ایم نیستند، سنت ها و آداب و رسوم و ارزش های ما را قبول ندارند و... عروسان نیز به دفعات از

این موارد ناراضی بودند که مادر شوهرانشان حدود مرز جایگاهشان را نمی دانند، به شدت در زندگی آنها دخالت می کنند و مادر شوهرانشان موجودات حسودی هستند که به عروس به چشم موجودی نگاه می کنند که جای آنها را در قلب و زندگی پسرشان گرفته است، مادر شوهران و عروسان اکثراً هردو بیان می کردند که طرف مقابل به جای حس مادری یا دختری و به تبع آن حمایتگری، پیوسته در تلاش است تا او را از چشم بی اندازد و خود جای او را بگیرد. همه این موارد را می توان در این مفهوم، یعنی «پذیرش و تأیید من و جایگاه من» خلاصه کرد، چراکه مقولاتی چون احترام گذاشتن، قدر دان بودن، حمایت کردن، به حقوق و انتظاراتی مربوط است که طرفین از نقش و جایگاه مقابل توقع دارند و مقولاتی مانند دخالت نکردن یا همنوایی با عقاید طرف به معنای پذیرش و تأیید شخصیت طرف و جایگاه وی هست.

مصاحبه ها گویای این مسئله بود که عواملی مانند تغییرات فرهنگی و زیر سؤال رفتن فرهنگ مردسالارانه (مادر شوهر مستبد و مداخله گر) و تغییر ارزش های سنتی (مادر شوهر سنتی، بی سواد، بی کلاس) کاهش بعد خانواده و به تبع آن فرزند سالاری و حمایت بیشتر خانواده از دختر (عروس پرتوقع و زودرنج) و بالا رفتن سن ازدواج و سطح تحصیلات دختران، اشتغال و استقلال اقتصادی آنها (عروس خودسر و نافرمان) و ... همگی بر این ابهام نقش و تغییر تعریف جایگاه، تأثیر گذار بوده اند.

راهبردها و عکس العمل هایی که هر کدام از طرفین در این رابطه در مقابله با مسائلشان بکار می بستند با توجه به شخصیت طرفین و مقدار سرمایه های اجتماعی که در اختیار داشتند از راهبردهای منفعلانه همانند سکوت کردن، قهر کردن بدون مشاجره، عذرخواهی و نادیده گرفتن به اجبار، چشم پوشی از سوی مادر شوهر برای حفظ رابطه تا واکنش غیرمستقیم، مانند غیبت کردن از طرف برای تحریک شخص سوم برای اقدام متقابل، واکنش مستقیم مانند گفتگو برای حل مسئله، مقابله به مثل، رک گویی، حاضر جوابی و مشاجره و دعوا متفاوت بود و بر اساس راهبردهای طرفین پیامدهای متنوعی، مانند پیامدهای مثبتی چون به وجود

آمدن رابطه مادر دختری و حس حمایتگری، همیاری و لذت از رابطه، حس صمیمیت و دوستی اشاره کرد و در مورد پیامدهای منفی از افسردگی و بیماری‌های روانی، کینه‌توزی و حس دشمنی، طلاق دادن همسر به تشویق مادر، قطع رابطه، دوری و دوستی و آرزوی مرگ و کیفر برای طرف مقابل را می‌توان نام برد.

#### کتاب‌نامه

۱. اشتراوس، ا.، کرین، ج. (۱۳۹۳). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
۲. بی، ا. (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت.
۳. چراغی، م.، مظاهری، م.ع.، موتابی، ف.، پناهی، ل.، صادقی، م. (۱۳۹۳). *مقایسه رابطه با خانواده همسر در دو گروه افراد راضی و ناراضی از ارتباط مذکور. فصل‌نامه خانواده‌پژوهی، ۱۰(۴۰)، ۴۷۴-۴۵۱*.
۴. سفیری، خ.، ذاکری هامانه، ر. (۱۳۹۳). *برساخت مفهوم اعتماد به همسر در فضای مجازی (مورد مطالعه: زنان ساکن شهر یزد)*. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۵(۱۸)، ۳۰-۱*.
5. Adhikari, H. (2015). Limerence Causing Conflict in Relationship Between Mother-in-Law and Daughter-in-Law: A Study on Unhappiness in Family Relations and Broken Family. *Multidisciplinary Journal of Gender Studies, 4(2), 739-757*.
6. Block, F. and Rao, V. (2002). Terror as a bargaining instrument: a case study of dowry violence in rural India. *The American Economic Review, 92(4), 1029-1043*.
7. Bumiller, K. (1990). Fallen angels: The representation of violence against women in legal culture. *International Journal of the Sociology of Law, 18(2), 125-142*.
8. Chen, H. (2006) Effects of harmonious relationship between mother and daughter-in-law, China. *Journal of Home Economics, 39/40, 149-164*.
9. Duvall, E. (1954). *In-laws: Pro and con*. New York, NY: Associated Press.
10. Kumari, R. (1989). Brides are not for burning: dowry victims in India. Delhi: Radiant Publishers. Lok Sabha Debates (1983) Volume 42, no. 3: 367 -550

11. Kung, H. (1999). Intergenerational Interaction between mothers-and Daughters-in-law: A Qualitative Study. *Research in Applied Psychology*, 4, 57-96.
12. Menski, W. (Ed.) (1998) South Asians and the dowry problem. London: Trentham Books.
13. Mill, J. S. (1869). *The subjection of women* (Vol. 1). Transaction Publishers.
14. Nagpal, A. (2000) Cultural continuity and change in Kakar's works: some reflections *International Journal of Group Tensions* 29(3-4): 285-321.
15. Rew, M. Gangoli, G. & Gill, A. K. (2013). Violence between female in-laws in India. *Journal of International Women's Studies*, 14(1), 147.
16. Sarvan, C. P. (1988). Feminism and African fiction: the novels of Mariama Ba. *MFS Modern Fiction Studies*, 34(3), 453-464
17. Sun, L. C. & Lin, Y. F. (2015). Homogenous Mothers-in-law, Different Daughters-in-law: In-law Relationship Comparison between Vietnamese and Taiwanese Daughters-in-law. *Asian Social Science*, 11(4), 252.
18. Vera-Sanso, P. (1999). Dominant daughters-in-law and submissive mothers-in-law? Cooperation and conflict in South India. *Journal of the Royal Anthropological Institute*, 577-593.
19. Wang, D. I. N. G. & Jin'an, H. (2008). A Study of the Verbal Conflict between Mother and Daughter-in-law in Desperate Housewives/ETUDE DU CONFLIT VERBAL ENTRE LA MÈRE ET LA BELLE-FILLE DANS LES MAÎTRESSES DE MAISON DÉSESPÉRÉES. *Cross-Cultural Communication*, 4(1), 1.
20. Willams, L. Mehta, K. & Lin, H. (1999). Intergenerational influence in Singapore and Taiwan: The role of the elderly in family decisions. *Journal of Cross-Cultural Gerontology*, 14, 291-322